

بسمِ النّاطقِ مِنَ الْأَفْقِ الْأَعُلَى

يا رسول قوم منتظريوم الهی بوده بشانیکه در لیالی و ایام بکمال تضییع و ابتهال از حضرت سلطان بیزوال لقای آنرا طالب، و چون آفتاب ظهور از افق اراده اشراق نمود کل محجوب و متحیر و غافل، ^{إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ} در فرقه ناجیه، یعنی شیعه که خود را بهترین احزاب عالم میشمردند تفکر نما، معدودی ناس بیچاره را باوهاما تی مبتلا نمودند که بالاخره سید عالمرا بایادی بغضا شهید کردند، حالهم نفوسيکه ابدًا از اصل این امر اطلاع ندارند بهمان اوهام برخواسته اند، مقصودشان آنکه یک ناحیه بمثل قبل قرار دهنده، و یک جابلقای موهوم و جابلسای غیر معلومی معین نمایند، این مظلوم لله كفته والله میگوید، باید جمیع عباد، یعنی نفوسيکه از کاس ایقان آشامیده اند، بحراست و حفظ بیت امر قیام نمایند و حق را بچشم خود ملاحظه کنند و ندایش را بگوش خود بشنوند، مَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْرِفَهُ بِغَيْرِهِ لَا يَعْرِفُهُ أَبَدًا، و این مخصوص است باین ظهور امنع اقدس، ^{الْبَهَاءُ} عَلَى أَهْلِ الْبَهَاءِ الَّذِينَ تَبَدُّلُوا إِلَهَوِيَّ وَتَشَبَّهُوا بِذِيْلِ اللَّهِ الْعَلِيِّمِ الْحَكِيمِ.